



جزای روزه دار لقای حق است/ هیچ گاه برای توبه کردن دبر نیست

حجت الاسلام والمسلمین انصاریان با بیان اینکه حقیقت ماه رمضان آزادی از خود حیوانی و تولد خود الهی است گفت: خداوند می فرماید روزه برای من است و من پاداش آن هستم یعنی جزای روزه دار لقای حق است.

حجت الاسلام والمسلمین انصاریان با بیان اینکه حقیقت ماه رمضان آزادی از خود حیوانی و تولد خود الهی است گفت: خداوند می فرماید روزه برای من است و من پاداش آن هستم یعنی جزای روزه دار لقای حق است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه_عباس بنشاسته: ماه مبارک رمضان بهانه ای شد تا با یکی از قدیمی ترین مبلغین تهران که ۱۲ سال است ۳۰ شب ماه مبارک را به موعظه و منبر می پردازد گفتگو کنیم. حجت الاسلام شیخ حسین انصاریان در این گفتگو با اشاره به ماهیت و حقیقت ماه مبارک رمضان از فضای تبلیغی حال حاضر کشور انتقاد کرد و توصیه کرد در امر به معروف و نهی از منکر باید با عاطفه کار کرد و نباید قلب گنهکار را شکست.

مشروح گفتگوی ما با این مفسر قرآن کریم و استاد اخلاق حوزه های علمیه را در ادامه می خوانید؛

* ما در میانی دینی بحث هایی در باب حکمت عبادات داریم. پرداختن به موضوع حکمت عبادات چه سودی دارد و ذیل پاسخ به این سوال بفرمایید حکمت عبادتی مثل روزه چیست؟

روزه بگیری که این برایتان سبب می شود که به روحیه و قدرت اجتناب از گناه دست پیدا کنید یعنی سی شبانه روز کافی است که ترک گناه انجام شود

به نظر بنده ما نباید برای عبادات حکمت سازی و فلسفه سازی کنیم. چون من برای یک عبادت فلسفه ای می گویم، فرد دیگری حرفی بالاتر می زند و یا شخصی سخن دیگری مطرح می کند. لذا این یک آشوب ذهنی ایجاد می کند. بهتر این است که در آیات قرآن و در روایاتی که شیخ صدوق از اهل بیت به عنوان علل الشرایع یعنی علت عبادات ذکر کرده بیندیشیم چون ما فقط تسلیم حکمت خدا و حکمت ائمه باشیم چون آن دیگر از بین رفتنی نیست.

مثلا قرآن می فرماید **كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ**; یعنی روزه بگیری که این برایتان سبب می شود که به روحیه و قدرت اجتناب از گناه دست پیدا کنید. یعنی با روزه گرفتن، خدا حجت را بر گنه کار تمام می کند. روزه گرفتن این روحیه را برای انسان به ارمغان می آورد. یعنی ۳۰ شبانه روز کافی است که ترک گناه انجام شود.

* تعبیر مختلفی در باب ماه رمضان آمده است مثلا از پیامبر سوال شد چرا این ماه را رمضان نام گذاشتند و حضرت فرمود به این دلیل که گناهان را می سوزاند. یا حضرت می فرماید اگر می دانستید که ماه رمضان به چه معناست از خدا می خواستید که هیچ وقت تمام نشود. اساسا حقیقت و ماهیت ماه رمضان چیست و چه توصیفات در مورد آن وجود دارد؟

هر آنچه که در عالم هستی وجود دارد، حقیقت و باطنی دارد؛ زیرا دنیا تنزل یافته **مکان**؛ها و **زمان**؛ها و **اسرار** و باطنی دارند. اشیا، **زمان**؛ها و **مکان**؛ها نیز دارای حقیقت و باطن می **باشند**. یکی از آن زمان ها، ماه مبارک رمضان است. در فرهنگ اسلامی ماه رمضان یکی از مهم ترین و محترم ترین ماه های سال است؛ ماهی که نزد مسلمانان به ماه عبادت و طهارت معروف بوده و آن را به تعبیر پیامبر(ص) ماه خدا می نامند.

امام سجاد(ع) در صحیفه سجادیه در استقبال از ماه مبارک رمضان با بیانی شیوا و رسا از ماه رمضان سخن گفته و حقیقت آن را روشن ساخته است. توصیف ماه رمضان با عباراتی؛ نظیر ماه اسلام، ماه نزول قرآن، حاکی از آن است که در نظر امام سجاد (ع) و در مکتب اهل بیت (ع)، ماه مبارک رمضان، عرصه برای تجلی حقیقت اسلام؛ یعنی تسلیم محض در برابر خداوند متعال است. این عرصه، مجالی است تا بندگان خدا به امر و رضای او، حتی از نیازهای طبیعی و حلال خود چشم **پوشی** کنند و سر تسلیم بر بندگی شکوه مند خالق بی همتای خویش فرود آورند.

حقیقت ماه رمضان عبارت است از آزادی از خود؛ آزادی از خود حیوانی، و تولد خود الهی. ماه مبارک رمضان، ماه تخلق به اخلاق الهی است و حقیقت و باطن آن عبارت است از رسیدن به لقای خداوند

این تمرین یک ماهه در کفّ نفس و خودداری از درخواست نفسانی، تمرینی مفید و نیکو است برای تقویت اراده و خویشترن داری در باقی سال؛ چون انسانی که یک ماه به دستور الهی در مقابل خواست حلال نفس خویش مقاومت کرده و فقط به خاطر رضای خداوند از نیازهای طبیعی خود مانند خوردن و آشامیدن اجتناب نموده است، این قدرت را خواهد داشت تا در یازده ماه دیگر سال در مقابل وساوس شیطانی و درخواست های نفسانی نفس اماره خویش مقاومت نموده و اهل تقوا و رستگاری شود.

پس می توان گفت حقیقت ماه رمضان عبارت است از آزادی از خود؛ آزادی از خود حیوانی، و تولد خود الهی. ماه مبارک رمضان، ماه تخلق به اخلاق الهی است و حقیقت و باطن آن عبارت است از رسیدن به لقای خداوند. در حدیثی آمده است که خداوند سبحان فرمود: «الصَّوْمُ لِي وَ أُنَا أَجْزَى بِهِ»؛ روزه مال من است و من خود به آن جزا می دهم. بعضی کلمه «اجزی» در این روایت را به صیغه مجهول «اجزى» خوانده اند؛ یعنی روزه برای من است و من پاداش آن هستم. حیف است که انسان به خودش و به غیر خدا و به هر آنچه که متغیر است، دل ببندد؛ زیرا هرچه غیر خدا است، در معرض زوال و تغییر است و نمی تواند جزای انسان باشد؛ جزای روزه دار، لقای حق است.

* شما سال ها در حوزه تبلیغ دین فعالیت داشته اید، اکنون چه ملزوماتی را در حوزه تبلیغ دین لازم می دانید و از نظر چه نقدهایی به شرایط موجود تبلیغ دین وجود دارد؟

باید به این نکته توجه کنیم که مبلغین وارث جایگاه اهل بیت هستند. کسی که در جایگاه ائمه می خواهد قرار بگیرد باید شرایطی داشته باشد. شرط اول علم است. علمی که بتواند در اعماق روایات و آیات تدبیر کند و آن را درست به مردم توضیح دهد. اگر گوینده علم نداشته باشد چه چیزی می خواهد انتقال دهد؟

مبلغ باید اعتماد مردم را به خود جلب کند و این اعتماد با اعمال خودش ایجاد می شود. مردم ببینند که او آلوده مال و صندلی و شهرت و... نیست. اعتماد کنند که او خیرخواه و دلسوز مردم است

مبلغ باید اعتماد مردم را به خود جلب کند و این اعتماد با اعمال خودش ایجاد می شود. مردم ببینند که او آلوده مال و صندلی و شهرت و... نیست. اعتماد کنند که او خیرخواه و دلسوز مردم است.

۴۰ یا ۵۰ سال پیش خیلی شرایط بهتر بود. مبلغین از نظر علمی و تقوایی بالا بودند. وقتی مبلغی آیات عذاب الهی را می خواند به پهنای صورت گریه می کرد. شما ببینید حال این مبلغ با اشک و علمی که دارد چه اثری بر مستمع می گذارد. اینها که در علم و عمل و تقوا بر فراز مردم بودند دست مردم را می گرفتند و بالا می بردند.

باید گفت گذشته از تعدادی معین از مبلغین امروز که دارای علم و تقوا و اثر گذاری هستند و من به آنان علاقه و ارادت دارم، متأسفانه تعدادشان جوابگوی یک مملکت نیست، اگر مبلغین دیگر هم مانند اینان بودند و از علم و تقوای کافی برخوردار بودند و وقت مردم را صرف مطالب بی اساس و غیر خدا و اهل بیت(ع) نمی کردند و خدا و قیامت باوری را به جای حرف های بیهوده و خسته کننده مطرح می کردند، یقیناً تغییرات قابل توجهی در وضع اخلاقی و عملی مردم پیش می آمد.

بهتر است به جای هزینه کردن وقت مردم در مورد این حزب و آن حزب و راست و چپ که تا به امروز هیچ سودی از این صحبت ها نبردیم بلکه ضرر هم کرده ایم، مردم را با کتاب خدا و روایات آشنا کنیم؛ مردم از این حرف ها خسته شده اند و این صحبت ها را پس می زنند؛ آنها را با مسائل الهی آشنا کنید.

تا به این مرحله نرسیم و وضع تبلیغ را تغییر ندهیم، مشکلات اخلاقی و اعتقادی جامعه حل نخواهد شد.

این نکته را نیز باید اضافه کنم که در توصیه به سیره پیامبر و ائمه و حتی آیات قرآن باید به ظرفیت و گنجایش فرد توجه کنیم. اگر مثلاً پیامبر هر شب ماه رمضان صد رکعت نماز می خواند، این را نباید برای همه توصیه کرد. ما باید به ظرفیت و گنجایش خودمان نگاه کنیم. اگر فرد نمی تواند کل ابوحمره را هر شب بخواند، حداقل یک صفحه آن را بخواند. یا مثلاً اگر نمی تواند صد رکعت نماز بخواند، هر چقدر که می تواند بخواند. فردای قیامت به او کم نمی دهند چراکه به اندازه ظرفیت

و گنجایش اش عمل انجام داده است.

اگر کسی دعوت به این کار بکند که همه اعمال عبادی که اهل بیت انجام می دادند را ما هم انجام دهیم به نظر من این دعوت اشتباهی است. امام صادق (ع) می فرماید دین را آسان برای مردم ارائه دهید. خیلی ها آنقدر گنجایش ندارند لذا فراری و متنفر می شوند.

*در ماه رمضان مردم خیلی با شور و اشتیاق در مراسمات حضور پیدا می کنند، اما از طرفی در زندگی اجتماعی این مناجات ها بالاخره باید تاثیر عملی داشته باشد ولی وضعیت مناسبی را در حوزه فرهنگ عمومی و سبک زندگی مردم شاهد نیستیم، چه باید کرد که این حضور مردم تاثیر عملی داشته باشد؟

تشیع اهل بیت در همه جای دنیا حتی در عربستان یک خیزش شدیدی پیدا کرده است. خانمی که اهل طهران بود می گفت ما با همین منبرها و دعاها ماه رمضان به تشیع روی آوردیم و الان شیعه شده ایم

من حرف شما را قبول ندارم. با تکیه بر آیات قرآن که به پیامبر می فرماید ﴿وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَىٰ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾؛ من آلوده کاملاً امیدوارم و هیچگونه دلشوره ندارم. چراکه خدا فرمود ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ اکنون اهل حق قوی شده و شر و کفر به ضعف کشیده شده است. تشیع اهل بیت در همه جای دنیا حتی در عربستان یک خیزش شدیدی پیدا کرده است. خانمی که اهل طهران بود می گفت ما با همین منبرها و دعاها ماه رمضان به تشیع روی آوردیم و الان شیعه شده ایم.

اگر به گوشه گوشه دنیا نگاه کنیم آثار این دعاها را می بینیم. با چه انگیزه ای جوانان ما ۸ سال در مقابل دشمن ایستادگی کردند؟ همه که اهل مطالعه نبودند. از پای همین منبرها به جبهه ها رفتند. الان هم اگر اتفاقی بیفتد همین پای منبری ها در صف اول قرار می گیرند. الان مدافعین حرم که جان خود را به دست گرفته و برای دفاع از حرم حضرت زینب به سوریه رفته اند از همین هیئتی ها و پامبری ها هستند.

*بی توجهی عده ای به ماه رمضان به نظر شما از چه جهتی است. این مسئله آنجایی مهم می شود که به صورت علنی روزه خواری و... رخ می دهد؛ به نظر شما چگونه باید با این افراد مواجه شد؟ چه از نظر حاکمیتی و چه عموم مردم چه مواجهه ای باید با این مسئله داشته باشند؟

این مسئله چیز جدیدی نیست و از قبل هم بوده است. باید با عاطفه با مردم برخورد کرد. نهادهای مختلف اعم از صداوسیما و نهادهای انتظامی باید به شکلی رفتار کنند که برادران و خواهرانی که هم دین ما هستند یا نیستند به احترام مملکت و کشور که در ماه مبارک رمضان قرار دارد، ملاحظه این ماه را داشته باشند.

ما باید یک جو عاطفی ایجاد کنیم که تا به حال نکرده ایم. با بگير و ببند کار درست نمی شود و روزه خوار بدتر جری می شود و برای انتقام گیری کارهای بدتری می کند. کار باید با عاطفه انجام گیرد. شاعر می گوید ﴿واعظا اگر چه امر به معروف واجب است، طوری بکن که قلب گنهکار نشکند﴾؛ زخم خورده شیطان را نباید دوباره زخم زد بلکه باید با ملاحظت با او رفتار کرد.

*به نظر شما چه باید کرد تا انسان حداکثر بهره را از ماه مبارک رمضان داشته باشد و فرصت ماه مبارک را از دست ندهد، به طور کلی بهره مندی از ماه رمضان در گرو چیست که فرد احساس نکند فرصت ماه رمضان را از دست داده است؟

کسی که روزه اش را گرفته و سحرها بلند شده و سعی کرده در ماه رمضان گره از کار کسی باز کند مثلا به مستحقی کمک کند و... دیگر نباید فرصت ماه رمضان را از دست رفته بداند. خدا از ما عبادت کمرشکن نخواسته و یا نخواسته که ما مثلا نصف ثروتمان را به مستحق بدهیم بلکه حدود تعیین کرده است. قرآن می فرماید ناامیدی بزرگترین گناه است.

برای به ZWNJ& دست& آوردن بهشت بسیار کارهای آسانی باید انجام داد، پروردگار عالم تکلیف خارج از طاقت و قدرت به ما ارائه نکرده، حکیم است و تکالیفی که برای به ZWNJ& دست& آوردن بهشت به ما ارائه کرده، تکالیف بسیار ساده ZWNJ& ای است.

اما از طرفی مبادا به ذهنت بیاید که با این همه آلودگی ما را راه نمی دهند، او که از ما توقع عصمت نداشته، گفته فقط

گناه نکنید، حال ما گوش ندادیم، اینکه دیگر ما را از چشم او نمی اندازد و لذلک خَلَقَكُمْ اصلا شما را خلق کردم، رحمتم را خرجتان کنم، خدا گفته نمی خواستم رحمتم بیکار بماند، نمی خواستم رحمتم را پیش خودم نگه دارم، می خواستم موجودات زنده، عاقل و فهمیده را خلق کنم تا به من مومن شوند و من رحمتم را خرجشان کنم، کیف هم می کنم از اینکه رحمتم را خرج گنهکار کنم. «تو مگو ما را به آن شه بار نیست/ با کریمان کارها دشوار نیست»

انسان فطرتاً خداجو و حق جوست و اکثریت مردم نیز به این ندا پاسخ می&wzj&دهند. مردم در نهاد خود به دنبال حق می&wzj&باشند، اما در مواردی خطای در تطبیق دارند اکثریت مردم رو به سوی دوزخ ندارند؛ زیرا حق جو هستند و در گرایش خود به حق اشتباه کرده&wzj&اند

خداوند به داود خطاب کرد، «این بندگان مومن، مخلص، پاک، خوب، با ظرفیت و پرازش من را بترسان؛ بندگان گنهکار، لغزش دار و بدکار من را که دیدی، به آنها مژده بده»! انسان گمان می کند که حرف خدا جابه جا شده؛ داود از خداوند توضیح خواست، خطاب رسید: آنها را بترسان که مبدا به خوبی ها و پاکی هایشان مغرور شوند و با مغرور شدنشان خوبی هایشان بریزد، اما گنهکاران را مژده بده، چون آنها کسی را غیر از من ندارند، می خواهند توبه کنند، در کدام خانه را بزنند، به چه کسی ملتجی شوند، سراغ چه کسی بروند، آنها را مژده بده که منتظرشان هستم بیایند توبه کنند. پس خودتان را اصلاح کنید، اعمال خوبی که انجام ندادید را تدارک کنید، من شما را می بخشم، توبه، گریه، نماز، احیا و ماه رمضان را گذاشتم که در آتش نروید.

هیچ وقت برای توبه کردن دیر نیست. سال گذشته بعد از ماه رمضان برای من نامه ای آمد که اسم نداشت. الان این نامه روی سایت ما هم هست. او احتمالاً فردی بوده که بصورت اتفاقی در جلسه ما شرکت کرده بود و ظاهراً اعتقادی نداشته است و یا ممکن است کسی او را ترغیب کرده و آورده بوده است. نوشته بود هر گناهی که تو در ذهن داری من انجام داده ام. من در جلسات رقص و گناه و اختلاط دختر و پسر و... زیاد شرکت می کردم. هر کاری بگویی من انجام داده ام اما الان حس می کنم انسان بودن و زندگی یعنی چه.

ظاهراً این فرد در آن مراسم توبه کرده بود. او فطرت دارد و فطرت انسان به طرف خدا میل دارد. احیا فطرت او را تکان داد و او را بیدار کرده است. انسان فطرتاً خداجو و حق جوست و اکثریت مردم نیز به این ندا پاسخ می&wzj&دهند. مردم در نهاد خود به دنبال حق می&wzj&باشند، اما در مواردی خطای در تطبیق دارند. واقعیت این است که عواملی از بیرون و دورن باعث می&wzj&شود که آنها در شناخت و گرایش به حق دچار انحراف شوند. شیطان و نفس اماره از یک سو و تبلیغات سنگین شیطان&wzj&های انسی از سوی دیگر حق را در برابر دیدگان آنها در حجاب برده است. با همین تحلیل روشن می&wzj&شود که اکثریت مردم رو به سوی دوزخ ندارند؛ زیرا حق جو هستند و در گرایش خود به حق اشتباه کرده&wzj&اند.

عباس بنشاسته